

آسیب‌شناسی مهندسی مالی اسلامی رایج در راستای طراحی نظام مالی اسلامی

احمدرضا صفا*

غلامعلی معصومی‌نیا**

چکیده

مهندسی مالی رایج مجموعه علوم یا فنونی است که به دنبال پیدا کردن روش‌های نوین و مؤثر برای تأمین بهینه مالی، در قالب مبانی، اهداف و چارچوب‌های نهادی حاکم بر اقتصاد لیبرال است. مسئله اصلی این است که آیا می‌توان با شبیه‌سازی به راهبردها و الگوهای سازگار با اهداف نظام مالی اسلامی دست یافت؟

در این مقاله برای رسیدن به پاسخ ابتدا به بیان سیر تاریخی و تحلیل رویکردهای مالی اسلامی پرداخته شد. رویکرد غالب مالی اسلامی رایج روش انفعالی (تطبیق، شبیه‌سازی و تصحیح) است که نقطه مشترک آن تأکید بر بازسازی دستاوردهای نهایی‌گرایی در اقتصاد مالی رایج است. پژوهش‌ها در این سطح با در خدمت‌گیری دستگاه فقه، فاقد روش‌شناسی خاص برای دستیابی به اهداف مالی اسلامی هستند.

در بررسی انجام شده افزون بر مشکل عدم وحدت نظر در موضوعات مالی، رویکرد انفعالی با آسیب‌های عدم وحدت نظر، تطبیق‌دهندگی، استفاده گسترده از حیل، پیچیده‌سازی و ناهمخوانی با اهداف همراه است که در مجموع موجب بی‌خاصیت‌نمایی ضوابط قراردادهای و وجود فلسفه تحریم ربا و سایر ضوابط مسلم در باب معاملات شده است. این رویکرد به طعن مخالفان و عدم تمایز واقعی نظام مالی ابداعی با رایج منجر شد. پیشنهاد می‌شود در گام نخست با رویکرد نظام‌ساز و اندیشه اعتدال فقه، به کشف ضابطه‌های اقتصاد مالی از منافع فقه و اخلاق پرداخت و در چارچوب آن و متناسب با اهداف ساختار نظام مالی اسلامی در جهت رفع نیازهای مالی واقعی طراحی شود.

واژگان کلیدی: نظام مالی، مهندسی مالی اسلامی، اهداف نظام مالی اسلام، اسلامی‌سازی، حیل ربا، روش‌شناسی.

طبقه بندی JEL: B26, D53, E49, F36, G01, P34, P40, K29, Z12

۱. مقدمه

نظام مالی اسلام، مجموعه منظم و هماهنگ رفتارها و روابط مالی در چارچوب ضوابط اسلامی برای نیل به اهداف مالی است. برای دستیابی بدان، باید به سه پرسش اساسی پاسخ داد: کجا هستیم؟ (آسیب‌شناسی وضع موجود)؛ کجا باید باشیم؟ (ترسیم وضع مطلوب)؛ چگونه باید حرکت کنیم؟ (راهبردهایی برای دستیابی به مطلوب).

این مقاله در پی پاسخ به پرسش نخست است که آیا نظام مالی لیبرال و الگوهای نهایی‌گرایی^۱ که به تدریج در مالی اسلامی استفاده شده است، می‌تواند با حفظ ساختار در خدمت اهداف نظام مالی اسلام قرار گیرد؟ و آیا می‌توان با مهندسی معکوس مالی و شبیه‌سازی به راهبردها و الگوهای سازگار با اهداف اسلامی دست یافت؟

مهندسی مالی رایج مجموعه علوم یا فنونی است که به دنبال طراحی ساختار و دریافت روش‌های نوین تأمین مالی، در قالب مبانی و اهداف حاکم بر اقتصاد لیبرال است. تبانی در مبانی اقتصاد رایج و اسلامی قطعی و همین تبانی موجب تفاوت اهداف و در نتیجه ساختار می‌شود. رفاه‌زدگی غافلانه، توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، انباشت سرمایه و انحصارگرایی، انحراف بازار سرمایه از بخش واقعی اقتصاد و ربا و بورس‌بازی قمارگونه از جمله مواردی است که همگی در تضاد با مبانی و اهداف اسلامی است. با وجود این بیشتر پژوهش‌های مالی اسلامی کمتر توجهی به این امور نکرده و درصدد تطبیق و شبیه‌سازی ساختار رایج مالی با شرع است. این رویکرد به طعن مخالفان و عدم تمایز واقعی نظام مالی ابداعی با رایج منجر شده است؛ البته در لابه‌لای دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان دغدغه‌های جدی روزافزونی به چشم می‌خورد که باید به صورت منسجم جمع‌آوری و تکمیل شود.

این نوشتار به دنبال آسیب‌شناسی و نشان دادن تبانی ساختار انفعالی مالی اسلامی با اهداف، با این فرض است که «به دلیل وجود تبانی بین ساختار و اهداف نظام مالی اسلامی با رایج، شبیه‌سازی نظام مالی متعارف با رویکرد انفعالی صحیح نمی‌باشد».

برای این امر ابتدا باید داوری روشنی نسبت به تلاش‌ها داشته و به سیر تاریخی پیشرفت‌های مالی اسلامی بپردازیم. در ادامه مهندسی مالی اسلامی رایج را به روش کتابخانه‌ای داوری می‌کنیم؛ البته این به معنای نادیده گرفتن دستاوردهای مالی اسلامی نبوده و تنها در پی نشان دادن نقاط ضعف رویکرد غالب، برای تصحیح روند موجود می‌باشد.

1. Marginalism

۲. پیشنهاد

در این زمینه ضمیر اقبال (۱۹۹۹) در کتاب مهندسی مالی در نظام مالی اسلامی تحقیقات مالی اسلامی را به دو دسته مهندسی معکوس و نوآوری تقسیم می‌کند. مهندسی معکوس به معنای بررسی ابزارهای موجود جهت یافتن نزدیک‌ترین جایگزین بوده که به دلیل ناسازگاری و عدم شناخت دقیق اصول اسلامی خطرناک است. نوآوری نیز به معنای بررسی دقیق محتوای امور مالی اسلام و تلاش برای ابزارهای مختص این نظام بوده که مشکل و زمان بر است؛ از این رو ترکیب این دو روش را تا حدودی مطلوب می‌داند.

واعظ برزانی، دلالی اصفهانی و آل‌بوسلیم (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مهندسی نظام تأمین مالی اسلامی» به ضرورت طراحی نظام مالی اسلامی براساس ضوابط اسلامی اشاره کرده‌اند. آنان همچنین چهار ضابطه نفی اکل مال به باطل، نفی ضرر، نفی غرر و نفی ربا جهت طراحی مدل اسلامی پیشنهاد داده‌اند.

سلمان، اقبال و مولجوان (۱۳۹۰) در کتاب پیشرفت‌های اقتصادی و مالی اسلامی در فصل نخست به روش‌شناسی و ماهیت مالی اسلامی پرداخته است و در فصل چهارم با عنوان «اقتصاد و مالی اسلامی در کجا ایستاده‌اند؟» ضمن بیان تفاوت بین روش و روش‌شناسی مالی اسلامی و متعارف، به آسیب‌شناسی مهندسی مالی در نگرش و توجیه منفعلانه در استفاده از روش تجربه‌گرایی به تناقض‌های آن با اسلام اشاره می‌کند.

الجرحی و زرقا (۱۳۹۰) در مقاله «عدالت بازتوزیع در یک اقتصاد توسعه‌یافته: با چشم‌انداز اسلامی» بر ماهیت متمایز مالی و اقتصاد اسلامی و تأکید آن بر فراگرد بازاری و غیر بازاری توزیع و عدالت بازتوزیع به منظور عدالت اقتصادی، متمرکز است. در مالی تنها به امر توزیع در خلال بازار توجه شده است؛ اما به توزیع عادلانه برای رسیدن به سطحی مشخص از سرمایه و عدالت اجتماعی کمترین توجه صورت گرفته است.

شعبانی و کجوری‌نژاد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین ساختار و مبانی نظام مالی» به ضرورت توجه به مقوله نوآوری در مهندسی مالی اسلامی پرداخته‌اند. در این مقاله به بیان خط‌مشی طراحی نظام مالی براساس مجموعه از مبانی و اصول شرعی تأکید شده است و اهداف نظام مالی را تعادل، مقبولیت، یکپارچگی، تداوم و پیوستگی معرفی می‌کند.

چودهوری^۱ (۱۳۹۰) در مقاله «اقتصاد و مالی اسلامی در کجا ایستاده‌اند؟» تفاوت مالی اسلامی و متعارف را در نوع معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش توحیدی می‌داند. به نظر ایشان

1. choudhury

رویه مهندسی مالی اسلامی بر فراموشی این رویه قرآنی هست؛ از این رو در دام نوعی اصول نتولیرال و نوکلاسیک جعلی گرفتار است و قادر به تجربه عملی و رای این اصول نیست. وثوقی، واعظ برازانی و عبدالملکی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تطبیقی آرا اندیشمندان مسلمان در مهندسی مالی اسلامی» ضمن بیان ضرورت و روند طراحی ابزارهای مالی اسلامی به بررسی دیدگاه‌ها در زمینه امکان نوآوری و طراحی ابزارهای مالی جدید پرداخته‌اند. بیات و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی علل عدم پذیرش و نشر نوآوری در ابزارهای مالی اسلامی در بازار سرمایه ایران» بر رویکرد تأسیسی در مالی اسلامی در طراحی بومی تأکید می‌کنند. موسویان و تاجمیر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «روش تحقیق جامع طراحی ابزارهای مالی اسلامی (مختار)» نشان می‌دهد بیشتر مطالعات مالی اسلامی، روش تحقیق علمی و استاندارد ندارند و هریک از پژوهشگران به فراخور تخصص خود روشی را برگزیده‌اند؛ در نتیجه یافته‌های آنان، از اعتبار علمی قابل دفاع نیست. براساس روش مختار پژوهشگر، مرحله به مرحله ایده ابزار مالی جدید اعتبارسنجی شده که شامل نیازسنجی ناشران، نیازسنجی سرمایه‌گذاران، بررسی فقهی، بررسی معیارهای اقتصاد کلان، بررسی معیارهای اقتصاد خرد و بررسی مسائل حقوقی و حسابداری، می‌شود.

نوآوری این نوشتار در بررسی سیر تاریخی علمی و عملی مالی اسلامی و آسیب‌شناسی مهندسی مالی اسلامی رایج است. به‌دیگرسخن، در پی نشان دادن روند اشتباه بیشتر نوآوری‌های مالی اسلامی بوده که دلیل عمده آن توجه نکردن به اهداف و در نتیجه ساختار ارزشی مالی رایج می‌باشد. این اهداف زمینه آسیب‌شناسی و طراحی وضعیت مطلوب را فراهم می‌کند که در ادامه به اختصار اشاره می‌شود.

۳. اهداف نظام مالی اسلامی

برخلاف نظام‌های دست‌ساز بشری، نظام مالی اسلامی همانند دیگر نظام‌های اسلام، اهداف و اصول آن از قبل بیان شده و تنها وظیفه نظریه‌پردازان استخراج آنها از منابع دینی است. با توجه به اینکه نظام مالی زیرمجموعه نظام اقتصادی است، باید به‌گونه‌ای ساختار آن طراحی شود که محقق‌کننده اهداف اقتصاد واقعی باشد.

اهداف اصلی اقتصاد اسلامی، پیشرفت عدالت محور یعنی تولید و توزیع عادلانه ثروت و تأمین عزت و استقلال جامعه اسلامی است. وضعیت مطلوب اسلام این است که برای عموم مردم رفاه عاقلانه فراهم شود. از این رو بر نظام مالی باید اصولی حاکم شود که تحقق بخش این اهداف باشد. در این راستا اصول حاکم بر نظام مالی اسلام عبارت است:

۱. تأمین نیازهای مالی بخش واقعی از منابع اعتباری: با توجه به اینکه فلسفه وجودی بازارهای اعتباری کمک به تأمین مالی بخش واقعی و نیاز متقاضیان بخش تولید و مصرف است، بر این اساس باید موارد زیر تحقق یابد:

الف. امکانات مالی به صورت عادلانه در اختیار افراد جامعه قرار گیرد. همچنین، امکان بازتوزیع امکانات مالی در جهت قوام جامعه و تداول ثروت در کل جامعه فراهم باشد. به این منظور ضوابطی در فقه چون ممنوعیت ربا، ضرر و غرر وضع شده است؛

ب. سهم‌بری عوامل مختلف در بازار سرمایه براساس سهم مشارکتشان در کسب درآمد (پیشرفت جامعه اسلامی) و نوع قرارداد باشد. از این‌رو تمامی بازیگران بازارهای مالی براساس میزان استحقاق خود سهم می‌برند و هرگونه کسب درآمد در بازار مالی بدون کار و تلاش واقعی به نوعی در ردیف قمار و ربای ممنوع قرار می‌گیرد؛

ج. منابع مالی براساس برنامه‌های هدفمند اقتصادی براساس مصالح فرد و جامعه تخصیص یابد و فعالیت‌های بازار مالی در صورت تضاد با مصالح اجتماعی ممنوع است؛
د. بخشی از درآمدهای نظام مالی باید صرف رفع نیاز فقرا در راستای اخوت اسلامی شود؛ البته این تنها مربوط به بخش مالی اقتصاد نیست.

۲. پیشرفت مالی: پیشرفته بودن نظام مالی به معنای قدرت بر پاسخگویی به نیازهای واقعی نوظهور است. در این راستا از دستگاه فقه و اخلاق اسلامی بهره‌برداری می‌شود. برخی مؤلفه‌های پیشرفت مالی اسلامی عبارت است:

الف. توسعه نهادهای مالی با التزام به رعایت اصول و قواعد اسلامی؛

ب. هدایت نظام مالی در جهت توجه بیشتر در زمینه‌سازی پیشرفت ضعیفان جامعه؛

ج. حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی افزون بر ضوابط فقهی و حقوقی.

۳. امنیت مالی: امنیت مالی تنها به امنیت سرمایه مالی منحصر نبوده و براساس آموزه‌های اسلامی شامل امنیت کار و ثروت جامعه نیز می‌شود. مؤلفه‌های امنیت مالی عبارت است از:

الف. شفافیت مالی: در این راستا هرگونه شایعه، تبانی، اغرا به جهل و دروغ در دیدگاه اسلامی ممنوع می‌باشد؛

ب. نظارت مؤثر مالی: دولت اسلامی موظف است شرایط لازم برای حفظ مصالح به صورت مستقیم یا سیاست‌گذاری و هدایت بازار مالی به سمت وضعیت مطلوب فراهم آورد؛

ج. ثبات مالی: اسلام با وضع قواعدی چون وفای به عهد و قراردادهای بر این امر تأکید دارد.

د. استقلال مالی و عزت اسلامی: وابستگی مالی و اقتصادی می‌تواند عاملی در جهت تسلط

کفار بر سرزمین‌های اسلامی شود. با حفظ استقلال مالی می‌توان نفی سلطه کفار را که مورد منع اسلام است، عملی نمود؛

ه. حفظ حقوق مالکیت آحاد جامعه: اگر در بخش مالی پدیده خلق پول و بورس‌بازی حاکم شود، یکی از پیامدهایش می‌تواند تشدید تورم باشد، در این صورت ارزش دارایی‌های مردم و به‌ویژه دارایی مالی آنان روز به روز کاهش می‌یابد و این با اصول مسلم اسلامی از قبیل حرمت اضرار و حرمت اکل مال به باطل سازگار نیست و در نهایت سبب دور شدن از اهدافی مانند عدالت و رشد خواهد شد.

۴. روند عملی مالی اسلامی

به‌طور رسمی نیز نخستین تحقیقات مالی جدید اسلامی به سال ۱۹۱۶ میلادی «محمد یک نظریه مالی»^۱ اثر نیکلاس پرودرمو^۲ برمی‌گردد؛ اما در خلال چند دهه آینده تحقیقات چندانی در این زمینه دیده نمی‌شود. دهه ۱۹۵۰ این تحقیقات با اثر صبری اولگنر^۳ «شرایط بازار پولی در رشد اقتصادی و تصویر اسلامی از بهره»^۴ (۱۹۵۳) و بعدها الربا و المعاملات فی الاسلام (۱۹۶۰) اثر رشید رضا شروع شد.

نخستین تجربه عملی اقتصاد مالی اسلامی، در سال ۱۹۶۳ با تأسیس بانک پس‌انداز میت قمر^۵ توسط احمد نجار در مصر و مؤسسه لمباگاتا بونگ حاجی^۶ در مالزی شکل گرفت.

در دهه ۱۹۷۰ (۱۳۹۰ق و ۱۳۴۵ش) با سرازیر شدن درآمدهای نفتی به کشورهای حوزه خلیج فارس نهادهای مختلفی با هدف ارائه خدمات مالی اسلامی در این کشورها تأسیس شد و از آن به بعد حجم فعالیت‌های مالی اسلامی در کشورهای حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا و بعدها در برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا مانند مالزی و اندونزی گسترش یافت. در این دهه بنا به نیاز این کشورها شاهد تحقیقات اثرگذاری در مالی اسلامی با تکیه بر بانکداری بدون ربا و بیمه هستیم. کتاب‌هایی چون البنک اللاربوی فی الاسلام (۱۳۶۰ق) اثر شهید صدر، مدل بانکداری بدون ربا^۷ اثر نجات‌الله صدیقی، عقد التأمین (الصکوک) موقف الشریعه الاسلامیه (۱۹۶۲) مصطفی احمد الزرقا و التکافل الاجتماعی فی القرآن (۱۹۶۴) محمد ابوزهره از مهم‌ترین آثار این دوره است.

1. Mohamad a Theory of Finance

2. Nicolas Prodromou

3. Sabri F. Ulgener

4. Monetary Condition of Economic Growth and The Islamic Concept of Interest

5. Mit Ghamr Savings Bank

6. Lembaga Tabung Haji Malaysia

7. A Model of Interest Free Banking

بانک توسعه اسلامی با همکاری ۲۲ کشور مسلمان^۱ و سرمایه ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی در جده عربستان در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد و از اکتبر ۱۹۷۵ شروع به فعالیت کرد. این نهاد تأثیرگذارترین بانک بدون ربا در سطح بین‌المللی است که با هدف کمک به رشد و توسعه اقتصادی کشورهای عضو است؛ البته این نهاد مالی بیشتر از ماهیت سرمایه‌ای برخوردار است تا پولی.

پس از آن بانکداری بدون ربا افزون بر بانک توسعه اسلامی، در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله امارات متحده عربی (۱۹۷۵)، کویت (۱۹۷۷)، بحرین (۱۹۷۸)، قطر (۱۹۸۰)، مالزی (۱۹۸۳)، ایران (۱۹۸۳)، بنگلادش (۱۹۸۳)، پاکستان (۱۹۸۵)، اردن، سودان و عربستان (۱۹۸۷)، ترکیه (۱۹۸۹) اجرا شد. با وجود این، هنوز ساختاری برای بازار سرمایه جدای از نظام متعارف دیده نمی‌شد. همچنین، تردید عمیقی بین این اندیشمندان در تطابق مالی اسلامی با متعارف بود. ورود بانک‌های بین‌المللی در این عرصه نیز از آگوست ۲۰۰۴ شروع شد. بانک اسلامی بریتین^۲ نخستین بانکی بود که جواز فعالیت در یک کشور غیرمسلمان را گرفت. در همان دوره بانک یونیورسیتی^۳ در آن آرپور^۴ و دوون بانک^۵ در شیکاگو محصولات بانکداری اسلامی را در آمریکا ارائه می‌دادند.

دهه ۱۹۹۰ (۱۴۱۰ق و ۱۳۶۶ش)، آغاز رشد بازار سرمایه اسلامی در بخش‌های مختلف جهان اعم از خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و اروپا با سرمایه اولیه ۱۵۰ میلیون دلار بود. رشد سریع بازار سرمایه اسلامی به واسطه افزایش درآمدهای نفتی این کشورها رخ داد. از جهت عملی از اوایل این دهه ارائه خدمات مالی اسلامی در بنگاه‌های مالی آغاز شد. این بازار باعث تحرک و جابه‌جایی مؤثر منابع و تخصیص بهینه آن شد و تکمیل‌کننده نقش واسطه‌گری مالی نهادهای اسلامی در فرایند سرمایه‌گذاری شد.

محصولات مالی اسلامی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: نخست، تفکیک ابزارهای مشارکت مستقیم در سود و زیان^۶ و دوم قراردادهای مبتنی بر حاشیه سود یا قراردادهای مشارکت غیرمستقیم.^۷ دو قرارداد مشارکتی مستقیم پرکاربرد قراردادهای مشارکت و مضاربه است. این قراردادها در کل جهان اسلام توسعه یافت. نخستین اوراق مالی مشارکت در ایران مربوط به شهرداری تهران در سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴) با سود علی‌الحساب ۲۰ درصد و پرداخت قطعی در موعد ۲۰/۵ درصد انتشار یافت.

۱. بعدها این رقم به ۵۵ کشور عضو رسید.

2. Islamic Bank of Britain

3. HSBC

4. University bank in an arbor

5. Devon Bank in Chicago

6. PLS

7. Murk up

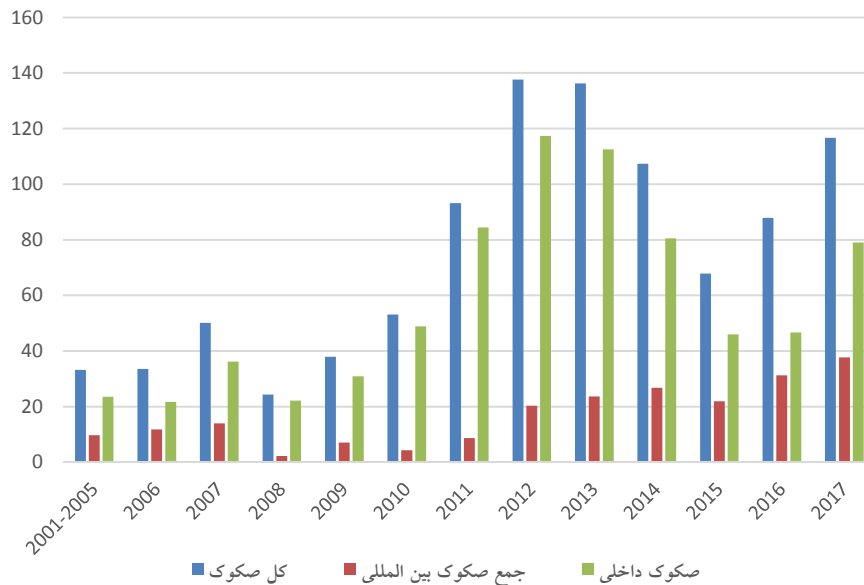
روند انتشار اوراق مشارکت بین سال ۱۳۷۳ تا پایان ۱۳۸۹، از حدود ۷۵ هزار میلیارد ریال به ۲۹۵ هزار میلیارد ریال رسید. این روند در سال‌های ۱۳۹۰ تا آبان ۱۳۹۷ به ترتیب به ۱۲۳۵۹۸، ۴۳۴۲۱۵، ۷۱۳۱، ۴۹۶۳۹۰۴، ۴۶۷۳۳/۸، ۵۰۶۳۷، ۳۹۰۸۴۲ میلیارد ریال و در مجموع ۲۷۰۶۱۴/۱۷۹ میلیارد ریال شد. این رقم که بخش اعظمی از آن به پروژه‌های برقی آبی، عمرانی انتفاعی، احیای بافت‌های فرسوده شهری، پتروشیمی و توسعه میادین گازی اختصاص یافته است (مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، بخش بازار سرمایه).

صکوک بخشی از بازار سرمایه اسلامی است که بعد از بانکداری اسلامی، به شدت در حال رشد است؛ به طوری که در صنعت مالی اسلامی دومین حجم دارایی‌ها را به خود اختصاص داده است. انتشار نخستین صکوک اسلامی در مالزی از سال ۲۰۰۱ آغاز شد. حجم انتشار این دارایی در خلال سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ از ۲۲۳/۳۳ میلیون دلار آمریکا به ۱۷۳/۹۳ میلیون دلار آمریکا در ۲۰۱۱ رسید. این روند با افت و خیز نسبی در سال ۲۰۱۷ به انتشار ۱۱۶/۷۱۷ میلیون دلار رشد یافت و مجموع کل صکوک منتشر شده تا پایان سال ۲۰۱۷ به ۲۰۹/۹۷۹ میلیون دلار افزایش یافت. این میزان به دو دسته بین‌المللی و داخلی تقسیم می‌شود (بانک اطلاعاتی صکوک بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۸).^۱

انتشار صکوک بین‌المللی در خلال سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ از ۷۰۴/۹ میلیون دلار به ۶۸۴/۸ میلیارد دلار در ۲۰۱۱ رسید. این روند با افت و خیز نسبی در سال ۲۰۱۷ به انتشار ۶۴۸/۳۷ میلیون دلار رشد یافت و مجموع کل صکوک بین‌المللی منتشر شده تا پایان سال ۲۰۱۷ به ۱۶۵/۲۱۹ میلیون دلار افزایش یافت (بانک اطلاعاتی صکوک بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۷).

انتشار صکوک داخلی نیز در خلال سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ از ۵۲/۲۳ میلیون دلار به ۴۹۰/۸۴ میلیون دلار در ۲۰۱۱ رسید. این روند با افت و خیز نسبی در سال ۲۰۱۷ به انتشار ۰۶۹/۷۹ میلیون دلار رشد یافت و مجموع کل صکوک داخلی منتشر شده تا پایان سال ۲۰۱۷ به ۰۴۴/۷۶۰ میلیون دلار افزایش یافت (بانک اطلاعاتی صکوک بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۸). در جدول زیر این امر مشاهده می‌شود:

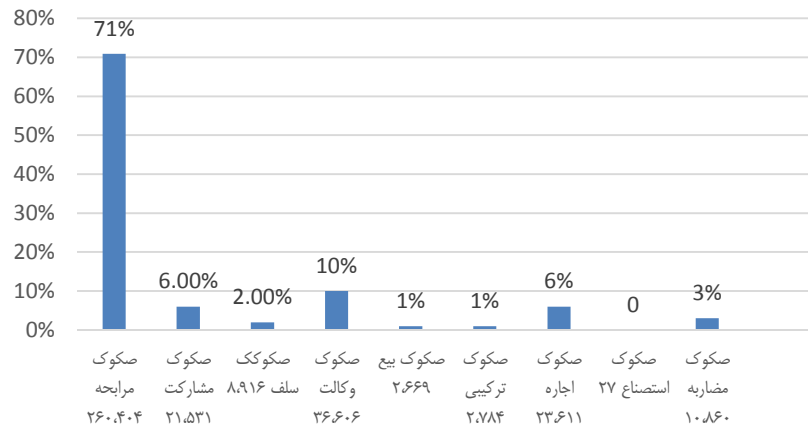
1. IIFM Sukuk Database: International Islamic Financial Market Sukuk Database



نمودار ۱-۲. صکوک در آینه آمار

دلیل افت و خیز بازار صکوک در سال‌های گذشته این بود که تقاضا برای اوراق صکوک در خارج از آسیا و حوزه خلیج فارس بسیار اندک بود؛ اما با انتشار اوراق صکوک توسط نهادهای دولتی و بخش‌های ساختمان و خدمات مالی این بازار رونق روزافزونی یافت؛ به طوری که منافع ناشی از این بازار نسبت به دهه گذشته بیش از ۵۷ درصد رشد داشته است. کشورهای ایران، مالزی، قطر، امارات، عربستان و اندونزی پیشرو در رشد بازار اولیه صکوک می‌باشند. این بازار ۴۲ نوع اوراق صکوک را فهرست نمود.

در حال حاضر اوراق صکوک در چهار بازار اصلی بین‌المللی بازار بورس لندن، بازار بورس کوالالامپور، نژداک دبی، بازار بورس لوکزامبورگ معامله می‌شود. بازار بورس لندن بزرگ‌ترین بازار برای معامله انواع صکوک است. این بازار منافع ناشی از عدم هزینه‌های رقابتی را دارا می‌باشد و تنها محل اصلی فهرست کردن اوراق صکوک است که هزینه سالانه از ناشر اوراق دریافت نمی‌کند. بیشترین حجم صکوک در سال ۲۰۱۷ مربوط به صکوک مرابحه (۷۰/۸۸٪) به ارزش ۴۰۴/۲۶۰ میلیون دلار می‌باشد (بانک اطلاعاتی صکوک بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۸). جدول زیر حجم انواع صکوک رایج را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۲. مالی اسلامی

منبع: دبیرخانه بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۸

این دهه زمان گسترش صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی بود. ساختار معمول این صندوق‌ها مشابه صندوق‌های متعارف است. تنها تفاوت اصلی وجود مشاوران شرعی و سرمایه‌گذاری در امور حلال است. در سال ۲۰۱۱، میزان دارایی‌های تحت مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار بود. تعداد این صندوق‌ها در این سال به ۸۷۶ عدد رسید که در حدود ۴/۶ درصد از دارایی جهانی مالی اسلامی را دارا بودند. عمده این صندوق‌ها به ترتیب در کشورهای عربستان (۴۲/۴ درصد)، مالزی (۲۵/۹ درصد)، آمریکا (۷/۹ درصد) کویت (۴/۹ درصد) و ایرلند (۴/۱ درصد) می‌باشند.

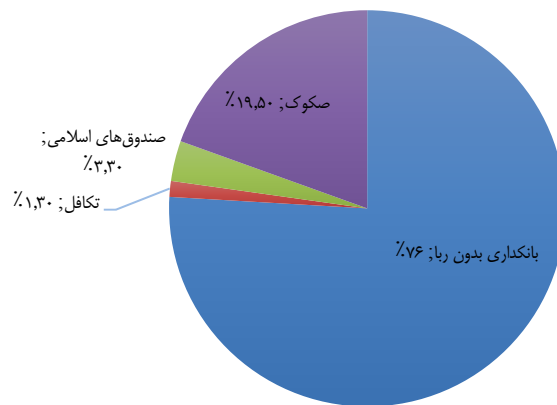
صندوق‌های سرمایه‌گذاری اروپا در حال حاضر در حدود ۳/۸ درصد از صندوق‌های سرمایه‌گذاری جهانی را به خود اختصاص داده‌اند که به تنهایی ۷ درصد آن به ایرلند و لوکزامبورگ اختصاص دارد. ایرلند به مرکزی برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی در اروپا تبدیل شده است. ایرلند به‌عنوان مرکز صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی براساس تخصص آن در ارائه تمام خدمات موجود معروف می‌باشد. در سال ۲۰۱۲، ۴۷ صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی در ایرلند فعال بوده‌اند که دارایی در حدود ۹/۱ میلیارد دلار، دارا بوده‌اند (بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۳).^۱ از دیگر نهادهای مالی اسلامی، شرکت‌های تکافل اسلامی^۲ بود که در عوض صنعت بیمه

1. ECB: European Central Bank

۲. فقه شیعه با پذیرش بیمه به‌عنوان عقد جدید صحیح شرعی مستثنی شد.

توسعه یافت. در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ شرکت‌های بیمه اسلامی در حدود ۷۳ درصد رشد داشته‌اند و در بیش از ۳۰ کشور جهان فعال بوده‌اند. صنعت تکافل اسلامی در برابر صنعت بیمه متداول رشد به مراتب بالاتری را تجربه نمود. بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ تکافل به‌طور متوسط سالانه ۲۰ درصد رشد داشته در حالی که صنعت بیمه متداول در دوره مزبور ۶ تا ۸ درصد رشد داشت (بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۳).

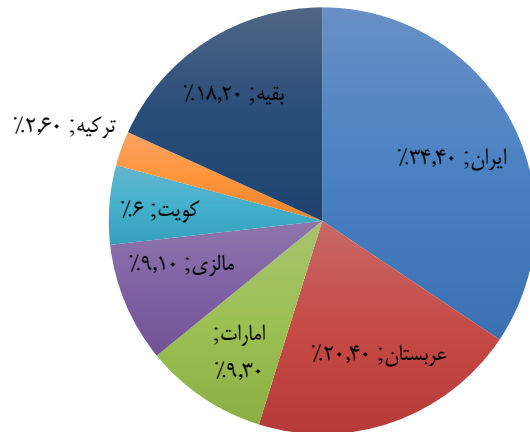
مالی اسلامی در حال حاضر از ترکیب بانکداری بدون ربا (۷۶٪)، صکوک (۱۹/۵٪)، صنعت صندوق‌های اسلامی (۳/۳٪) و تکافل (۱/۳٪) - در مجموع بازار سرمایه اسلامی (۳۴٪) تشکیل شده است (دبیرخانه بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۷)^۱.



دبیرخانه بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۸

نمودار ۳-۲: مالی اسلامی

از این میان ۴/۳۴٪ از بانکداری بدون ربا سهم ایران، ۴/۲۰٪ سهم عربستان سعودی، ۳/۹٪ سهم امارات متحد عربی، ۱/۹٪ سهم مالزی و ۶٪ است.



نمودار ۴-۲: سهم کشورها از بانکداری بدون ربا

منبع: دبیرخانه بازار بین‌المللی مالی اسلامی، ۲۰۱۷

۵. رویکردهای علمی مالی اسلامی تاکنون

در یک جمع‌بندی رویکردهای علمی مالی اسلامی به چهار دسته تقسیم می‌شود:^۱

۱. رویکرد فقهی خالص: این رویکرد بدون در نظر گرفتن موضوعات خارجی به تشریح نظری قواعد، ارکان و شرایط فقهی قراردادها می‌پردازد؛ مانند بررسی عقد بیع، اجاره، مضاربه و سلف، قواعد فقهی مانند قاعده ید، احترام مال مسلم و اسراف، ضابطه‌های سلبی معاملات مثلاً منع اکل مال به باطل، ربا و قمار، ضابطه‌های ایجابی مانند عدالت، تداول ثروت که ریشه در فقه و اخلاق اسلامی و قدمتی به اندازه تاریخ اسلام دارد. مجموعه استفتائات از فقیهان در حوزه معاملات را می‌توان در این گروه قرار داد؛ البته این به معنای اشکال بر این روش نیست؛ زیرا مکلفان به دنبال پرسش از تکلیف خود در مواجهه با مسائل بازار مالی هستند. با وجود این، آثاری چون فقه العقود (۱۴۲۳ق) سیدکاظم حائری، ربا (۱۳۸۶) جمعی از نویسندگان از این دسته هستند؛

۲. رویکرد بنایی یا انفعالی: این رویکرد که به روش امضا مشهور است، حجم وسیعی از تحقیقات مالی را دربردارد. پژوهشگران سه روش تطبیق، تصحیح، شبیه‌سازی را در آن پیش گرفته‌اند که نقطه مشترکشان حفظ ساختار اقتصاد مالی رایج است. در روش تطبیق پژوهشگر به دنبال تطبیق موضوع با عناوین رایج شرعی براساس فتاوی و در مواردی با ادله شرعی است.

۱. ر.ک: صمصامی و همکاران، ۱۳۹۷.

در روش شبیه‌سازی، پژوهشگران به ارائه راه‌حل‌هایی در قالب طراحی ابزار، نهاد و قوانین با حفظ ساختار نظام مالی رایج می‌پردازند. الگوهای بانکداری بدون ربا، اوراق مرابحه و اوراق بدهی اسلامی از این دسته هستند. در روش تصحیح پژوهشگر با پذیرفتن چالش فقهی، به ارائه راه‌حل‌هایی جهت تصحیح آن موضوع می‌پردازد. کتاب‌هایی چون البنك اللاروی فی الاسلام اثر شهید صدر، مدل بانکداری بدون ربا^۱ اثر نجات‌الله صدیقی، النظام المالی المقارن (۱۳۹۲ق) اثر بدوی عبداللطیف عوض، النظام المالی الاسلامی المقارن (۱۹۷۲) اثر محمد عبدالمنعم الجمال، سمیر عبدالحمید رضوان با اسواق الاوراق المالیة (۱۴۰۱ق)، معبد علی الجرحی با اثر نحو النظام النقدي و مالی اسلامی (۴۰۱ق)، زبیر اقبال و محمد آمره با اقتصاد مالی عمومی در اسلام^۲ (۱۹۹۰)، التأمین فی الاقتصاد اسلامی (۱۹۹۰) اثر محمد نجات‌الله صدیقی، فهیم‌خان با اثر «مقایسه اقتصادی برخی شیوه‌های تأمین مالی اسلامی»^۳ (۱۹۹۱) و مؤسسات مالی اسلامی^۴ (۱۹۹۵)، مفهوم التمويل فی الاقتصاد اسلامی (۱۴۱۲ق) منذر قحف، سمیر عبدالحمید الرضوان با اسواق الاوراق المالیة (۱۹۹۶)، الوسائط المالیة فی الاقتصاد اسلامی (۱۹۹۸) سامی ابراهیم السویلیم، ابزارهای مشتقه (۱۳۸۷) معصومی نیا و بازار سرمایه اسلامی (۱) (۱۳۹۱) بانکداری اسلامی (۱۳۹۴) اثر موسویان در منابع بانکداری اسلامی (۱) از این دسته هستند. این تحقیقات حجم زیادی از مالی اسلامی را به خود اختصاص داده و به «مهندسی مالی اسلامی» مشهور شده‌اند؛

۳. رویکرد انتقاد ساختاری: در این رویکرد پژوهشگر با توجه به مبانی، و ضابطه‌های فقهی و یا ارائه مستندات حقوقی و شرعی به نقد موضوع مالی خاص می‌پردازد. تأکید این رویکرد بر عدم سازگاری ساختارهای متعارف با اصول و احکام اسلامی است. تحقیقاتی چون «نظریه الربا المحرم» (۱۹۶۴)، ابراهیم زکی‌الدین «و نظری به فلسفه تحریم ربا» (۱۳۴۴) محمد مجتهد شبستری، «الفائدة علی الراس المال صوره من صور الربا» (۱۹۷۰) و «التأمین الاصلی و البدیل» (۱۹۷۲) و «وضع الربا فی البناء الاقتصادي» (۱۳۹۲ق) محمد عیسی‌عبدو، مطالعات نظری در بانکداری اسلامی و مالیه اسلامی (۱۹۹۱) اثر محمد محسن خان و عباس میرآخور، ربا و پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری (۱۳۷۹ش) توتونچیان، بورس‌بازی بر قیمت بین موافقان و مخالفان (۲۰۰۷) و التمويل الاسلامیة (۲۰۱۲) رفیق یونس المصری از این دسته است؛

۴. رویکرد نظام‌ساز: در رویکرد نظام‌ساز پژوهشگر با فرض امکان استخراج نظام مالی اسلامی از منابع دینی به طراحی راهبردهایی جهت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب

1. A Model of Interest Free Banking

2. Public Finance in Islam

3. Comparative Economics of Some Islamic Financing Techniques

4. Islamic financial institutions

اسلامی براساس مبانی و اهداف می‌پردازد. این دسته تحقیقات پژوهشگر در پی یافتن هندسه مالی اسلامی از منابع دینی است. در این راستا پژوهشگر با بررسی مبانی شرعی در ارتباط با مالی اسلامی و کشف ضابطه‌های، راهبردهایی جهت طراحی نظام مالی اسلامی پیشنهاد می‌دهد. این تحقیق‌ها بخش بسیار اندکی از تحقیقات مالی اسلامی را به خود اختصاص داده است. آثاری چون النظام المالي في الاسلام (۱۹۷۰) محمد کمال الجرف، النظام المالي في الاسلام (۱۹۷۳) عبدالحالی نواری، خطوط التفصيليه عن الاقتصاد المجتمع الاسلاميه (۱۳۹۹ق) و الاسلام يقود الحياه (۱۴۰۳ق) شهید صدر، محمد عمر چپرا با نحو نظام نقدي عادل دراسة للنقود و المصارف في ضوء الاسلام (۱۹۸۹)، بحوث في المصارف الإسلامية (۲۰۰۱) رفیق یونس المصری و به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل) (۱۳۸۹) داودی و صمصامی از این گروه هستند.

۶. آسیب‌شناسی مهندسی مالی اسلامی

هدف اصلی مهندسی مالی اسلامی، طراحی ابزارهای مالی جدیدی است که در عین برخورداری از حداکثر کارایی با موازین شرعی نیز مطابقت داشته باشند. دوروش اصلی در آن، مهندسی معکوس و نوآوری می‌باشد. مهندسی معکوس به معنای بررسی ابزارهای مالی رایج به هدف دستیابی به بهترین جایگزین بوده که مزیت آن دسترسی به منابع نظری و نتایج تجربی آن ابزار خواهد بود؛ از این رو پژوهشگر را درگیر مسائل نوآوری و نظام‌سازی نمی‌کند؛ البته ممکن است به دلیل عدم شناخت ماهیت و ویژگی‌های آن ابزار، جانشین مناسبی برای آن ارائه نشده و یا اینکه در عمل با اصول مالی اسلامی ناسازگار باشد. نوآوری نیز به معنای بررسی دقیق محتوای نظام مالی اسلام و تلاش برای دستیابی به ابزارهای مختص به این نظام می‌باشد؛ البته این روش به دلیل مشکل و زمانبر بودن و عدم درک چارچوب نظری نظام مالی اسلامی، عملیاتی نشد (اقبال، ۱۹۹۹، ص ۵۴۵). از این رو بیشتر پژوهش‌های مالی اسلامی رویکردی انفعالی (مهندسی معکوس) نسبت به ابزارها و نهادهای مالی رایج در دو مرحله صورت می‌پذیرد:

مرحله نخست، حول موضوع‌شناسی نهادها، ابزارها و روش‌های تأمین مالی رایج است که به بررسی زوایای مختلف موضوع می‌پردازد. کارکرد و نتایج موضوع از جمله مباحث مهمی است که پژوهشگر بدان توجه می‌کند؛ مرحله دوم بررسی فقهی و از مطالعات بین‌رشته‌ای است؛ بدین صورت که ساختارها، نهادها و ابزارها از اقتصاد مالی متعارف وام گرفته می‌شود و حکم شرعی آن، به روش عدم مغایرت از فقه جستجو می‌شود. پژوهش درباره اوراق بهادار رایج، ابزار مشتقه، عملیات بانکی، بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری از نمونه‌های آن است.

در بیشتر این تحقیقات رابطه مالی اسلامی و متعارف به صورت تعاضد و تعاون^۱ تعریف می‌شود. در رویکرد تعاضدی پژوهشگر سعی بر کشف عدم تغایر شرعی یا بازسازی دستاوردهای مالی متعارف دارد و از این رو «هیچ الزام شرعی و عقلی در رابطه با تولید الگوهای اقتصادی و بانکداری از ابتدا و از نقطه صفر وجود ندارد؛ بلکه (با توجه به پذیرش عقل به عنوان منبع مشروع معرفت) تمام روش‌ها و شیوه‌هایی که در نظام متعارف تولید شده‌اند، ولی ناسازگاری با تعالیم اسلامی ندارند یا اینکه ناسازگاری موجود آنها قابل اصلاح در چارچوب اسلامی است، می‌توانند به وصف اسلامیت گردند» (موسویان و میسمی، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

حال پرسش اساسی این است که «آیا با این رویکرد می‌توان به الگوهای سازگار با اهداف اسلامی دست یافت؟» برای پاسخ بدان باید به تحلیل و مخاطره‌های مهندسی مالی اسلامی پرداخت که عبارت‌اند از:

۱-۶. عدم وحدت نظر در برخی موضوع‌های مهم اقتصاد مالی

مالی اسلامی رایج احکام موضوعات را به سه گونه مجاز، قابل تصحیح و غیرقابل تصحیح تقسیم می‌کند؛ البته در مصادیق هر بخش شاهد اختلاف نظرهای فراوان بین صاحب‌نظران هستیم. برای نمونه، تنها درباره حکم نرخ بهره بازار مالی دیدگاه‌های متفاوت زیر وجود دارد:

۱. عدم جایگاه بازار پول متعارف و نرخ بهره در اقتصاد اسلامی (نظری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹)؛

۲. تفاوت ماهوی بهره و ربا (غنی‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۲۷۵)؛

۳. اختصاص ربا به تمدید مهلت بدهی و در نتیجه تفاوت آن با بهره متعارف (رشید رضا،

۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۱۶)؛

۴. اختصاص ربا به زیاده فاحش (کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۹۵)؛

۵. اختصاص ربا به قرض استهلاکی (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹)؛

۶. اختصاص ربا به بهره بانک‌های خصوصی (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۴۸)؛

۷. جواز بهره به عنوان ضرورت عصر حاضر (ابوزههره، ۲۰۰۸، ص ۶۱).

البته اختلاف تنها به موضوعات جدیدی چون بیمه، قرارداد آتی، اختیار معامله محدود نیست و در موضوعات متقدم فقهی چون امضایی و تأسیسی بودن قراردادها، اصل صحت قراردادها، انواع مجاز مشارکت، استصناع، محدوده مضاربه، شرط ضمان عامل، شرط التزام (جریمه) ضمن قرارداد نیز وجود دارد. هرچند این چالش فقط مربوط به مهندسی مالی اسلامی نبوده، اما عدم

۱. رویکرد تعاضدی در مقابل رویکرد تفارق یا عدم ورود دین به عرصه اقتصادی و رویکرد تعارض یا منافات تعالیم دینی با علوم انسانی رایج قرار دارد. به نظر می‌رسد رویکرد چهارمی با عنوان اعتدال وجود دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

وحدت رویه به تشمت و بلا تکلیفی در طراحی ساختار، نهادها و الگوهای مالی اسلامی منجر می‌شود.

۶-۲. مشکل تطبیق‌دهندگی

در مهندسی مالی اسلامی رایج با یک دستگاه «تطبیق‌دهنده» با روحیه کاملاً انتزاعی روبه‌رو هستیم که توجه کافی به نیازها، ظرفیت‌ها، شرایط زمانی و مکانی ندارد؛ از این رو با حجم عظیمی از ابزارها و راهکارهایی روبه‌رو هستیم که شرکت‌کنندگان را دچار سردرگمی می‌کند.

برای نمونه، در بانکداری بدون ربا به جهت تخصیص منابع (مصارف) حداقل با سیزده ابزار (قرارداد) شرعی روبه‌رو هستیم؛ در حالی که در عمل بیشتر این ابزارها بدون استفاده، مانند مزارعه و مساقات یا به صورت استفاده محدود مانند استصناع باقی مانده است و می‌توان با چند ابزار محدود نیازهای مشتریان را پاسخ گفت. در بازار بورس نیز با انبوهی از اوراق صکوک روبه‌رو هستیم که در عمل تداعی همان مشکل بازار پول را دارد.

مورد دیگر سعی در توجه بازار ثانوی است. نقش پررنگ بازار ثانوی از نشانه‌های شکاف بازار سرمایه از تحولات بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد و عامل ایجاد شوک و بحران و و معضل تولید و بخش واقعی است. این بازار که رکن اصلی بازارهای سرمایه است، شرایط بافروشی‌های متعدد برای اوراق و تأمین نقدینگی برای سفته‌بازی و بهره‌برداری از ریسک را فراهم می‌کند. با توجه به ممنوع بودن برخی از ابزارهای بازار ثانویه، پژوهشگران مالی اسلامی تلاش خود را در ارائه جانشینانی با همان قابلیت جهت ایجاد شرایط شبیه‌سازی، بازار سرمایه اسلامی با بازار ثانویه متداول به کار برده‌اند.

در تطبیق قراردادهای ترکیبی با ابزارهای غیرمجاز هرچند سعی در حفظ ظاهر شرعی است، اما در اصل به نوعی بی‌خاصیت‌نمایی ضوابطی می‌باشد که شارع بنا به مصالحی در قراردادها بدان الزام کرده است. گویا خود شارع از نیازهای مالی هیچ‌کس خبر نداشته است!

برای نمونه، به اجماع فقیهان، فروش مبیع در سلف قبل از سررسید ممنوع است (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۳۲۰). منتهی در صورت تعهد به این ممنوع بودن بازار بورس کالا جذابیتی - برای بورس‌بازی - نداشته و به بازاری برای تعهدات واقعی تبدیل می‌شود. از این رو پژوهشگران بازار سرمایه اسلامی، راهکار استفاده از سلف موازی به ضمیمه حواله پیشنهاد داده‌اند (دبیرخانه کمیته فقهی بورس، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲). به این ترتیب که خریدار سلف اول (دوم، سوم، ...) جهت تأمین نقدینگی، وارد قرارداد سلف دیگر شده و تمام یا قسمتی از کالای موضوع قرارداد را به صورت

سلف موازی می‌فروشد و در پایان شخص خریدار را با شرط ضمن عقد، حواله به سلف اول می‌دهد و از بازار خارج می‌شود. صرف نظر از شبهه صوری شدن این راهکار، وقتی سلف با حواله ترکیب می‌شود به صورت سیستمی به بی‌اثر نمودن ضابطه شرعی سلف منجر می‌شود. مسئله دیگر توجه نکردن در اسلامی‌سازی به هماهنگی بین اجزا و ساختار است. به بیان دیگر اجزا نظام مالی متعارف در جهت اهداف بهینه‌سازی مالی لیبرال هماهنگ هستند؛ اما در اسلامی‌سازی به دلیل تغییرات ماهوی در ابزار و تغییر قابلیت‌های آن لزوماً هماهنگی با آن ساختار را ندارد. به‌عنوان نمونه، تغییر در ابزار مالی آتی ساده^۱ که جهت مدیریت ریسک تعهد بر خرید یا فروش مقدار مشخصی از یک دارایی را در تاریخ معین، با قیمت مشخص و در مکان معلوم می‌کنند، با تعیین قطعی برخی از متغیرها مانند تحویل مبلغ و زمان در ابتدای قرارداد این ابزار تبدیل به قرارداد سلف معهود در فقه شده که دیگر ابزار تأمین مالی است نه ابزار مدیریت ریسک. مثال دیگر نهاد بانک است. بانک در اقتصاد واسطه مالی در بازار پول (بازار کوتاه‌مدت) است؛ ولی قراردادهای انتفاعی بانکداری بدون ربا ناظر به بازار واقعی اقتصاد است. این قراردادها یا به صورت مبادله‌ای و مربوط به بخش تجاری و یا خدمات واقعی است؛ مانند فروش اقساطی و یا به صورت مشارکتی است که مربوط به بخش تولید یا تجارت در اقتصاد مانند مشارکت و مضاربه است. این تحول، ماهیت بانک را از یک واسطه پولی صرف به تاجر و شریک تغییر داد (القری، ۱۹۹۸، ص ۶۹-۷۶).

۳-۶. استفاده گسترده از حیل‌ها در طراحی ابزار و نهادهای مالی اسلامی

یکی از رویه‌های رایج در مهندسی مالی اسلامی استفاده گسترده از حیل و «حیل محوری» است. حیل به معنای توصل جستن به اسباب دارای آثار شرعی برای اسقاط چیزی است (هاشمی شاهرودی و جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ص ۴۰۴). و به منظور تغییر حکم شرعی صورت می‌پذیرد و به دو نوع مجاز و غیرمجاز (باطل یا حرام) تقسیم می‌شود.

هرچند فقیهانی چون محقق اردبیلی، علامه حلی و امام خمینی علیه السلام حیل را مجاز نمی‌دانند و معتقدند در بیشتر موارد نسبت جواز حیل به معصوم علیه السلام، و هن به مقام ایشان است (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹، ص ۵۵۱)، با وجود این فقیهانی که معتقد به جواز حیل‌اند، نیز اتفاق نظر دارند که در صورت نبود سه شرط، قصد جدی برای معامله، عقلایی نبودن و مشهود بودن محتوا و فلسفه حرمت در آن، حیل ربا ممنوع می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۷). بر اساس این هرچند

نمی‌توان مطلق حیل را غیرمجاز تلقی نمود، اما همواره این پرسش مطرح است که آیا می‌توان ساختار نظام مالی اسلام و بازار سرمایه اسلامی را بر پایه حیل‌ها بنا نهاد که اغلب از قراردادهای پیچیده و غیرقابل هضم برای عرف است؟

مسئله‌ی جواب این پرسش منفی است؛ زیرا هرچند حیل یک راهکار فردی و فرعی برای نجات مکلف از ابتلا به حرام است، اما با توجه به ادعای تمدن‌سازی دین اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی، حیل نمی‌تواند مبنا و اصل برای طراحی نظام مالی و به تبع الگوهای برآمده از فقه اسلامی باشد؛ به‌دیگرسخن، «احکام شرعی، اعم از تکلیفی و وضعی، ظاهری و واقعی، مبتنی بر مصالح و مفاسد بشری است. یعنی غرض شارع مقدس از تشریح احکام این بوده است که مصالح دنیوی و اخروی بشر را تأمین کرده و او را از مفاسد دنیوی و اخروی مصون بدارد» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۴۷).

این امر در مورد معاملات و به‌ویژه ربا روشن است. آیات و روایات عللی چون ظلم، ستم، تعطیل احسان و تجارات را به‌عنوان فلسفه تحریم ربا ذکر کرده‌اند که اگر نگوییم این موارد علت حکم است، دست‌کم حکمت حرمت رباست و به دلیل سختی حکم ربا و مصداق جنگ با خدا بودن آن باید در موارد عرفی آن نیز دقت کرد و جهت منع از یک قرارداد، شبهه ربا کافی است. بر این اساس امام خمینی رحمته‌الله استدلال می‌کند:

«ربا با وجود تعابیر شدیدی که در مورد آن در قرآن و سنت از طریق اهل سنت و شیعه وارد شده است و چنین تعابیر تنیدی در مورد سایر گناهان خیلی کم است و با وجود مفاسد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که اقتصاددانان برای آن ذکر کرده‌اند، چگونه حلال نمودن آن با حیل‌های شرعی ممکن است؟ و روایات حیل عویصه و بلکه عقیده‌ای در قلب بسیاری از متفکران بوده و حتی غیرمسلمانان نیز حق دارند از ناحیه آن به اسلام اشکال کنند. این مشکل را باید حل کنیم. حتی اگر کسی بگوید باید این روایات را تعبداً بپذیریم، نادرست است؛ زیرا در اینجا عقل مفاسد حیل را درک می‌کند... هم سند این روایات قابل خدشه است و هم دلالت آنها که یا باید تأویل کنیم یا علمش را به صاحبش ارجاع دهیم. لذا حیل‌های ربا موضوع را از ظلم و فساد و تعطیلی تجارت‌ها و سایر اموری که در کتاب و سنت آمده، خارج نمی‌کند» (امام الخمینی، کتاب البیع، ۱۳۷۹، ص ۵۴۱ و ۵۴۴). براساس این مبنا تمامی فعالیت‌های مالی که فلسفه ربا در آن باشد، ممنوع است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ص ۲۰۲) و در استفاده از حیل، باید یقین به عدم وجود تنافی با فلسفه تحریم ربا داشته باشیم. در مقام اجرا نیز در بسیاری از موارد راهکارهای حیل‌محور به دلیل سخت و هزینه‌بر بودن، موفق نبوده و صوری اجرا شدند که چند نمونه از آنها عبارتند از:

۱. جایگزینی مشارکت و مرابحه وکالتی به جای خرید اعتباری سهام در بازار رایج: در راهکار پیشنهادی کمیته فقهی بورس، بانک اعتبار را در قالب قرارداد مشارکت در اختیار کارگزار می‌گذاشت و کارگزار هم با استفاده از منابع بانکی، سهام را نقد خریده و به صورت مرابحه مدت‌دار در اختیار متقاضی سهام می‌گذاشت (دبیرخانه کمیته فقهی بورس، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷)؛

۲. راهکار امهال مطالبات غیر جاری در قرارداد مشارکت مدنی بانکی: در این روش بانک در ازای بدهی، دارایی شخص را خریده و پولی که به ازای آن دارایی می‌پردازد به جای بدهی خود از حساب مشتری برداشت می‌کند (شورای پول و اعتبار، ۱۳۹۸). با این روش می‌توان تمام موارد ربای جاهلی را حذف کرد؛ در حالی که با وجود روایات فراوان در مورد حیل این راهکار سابقه روایی ندارد؛

۳. پیشنهاد ترکیب فروش نقد و خرید سلف سهام (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۴۲۹)، بیع الخیار (همان، ص ۴۲۶)، فروش تعهدی، صلح به شرط اختیار خرید سهام فروخته شده، ترکیب مرابحه و وعد به جای قرارداد ربوی فروش استقراضی سهام (دبیرخانه کمیته فقهی بورس، ۱۳۹۳، ص ۱۷۴): به‌عنوان نمونه در راهکار فروش نقد و خرید سلف سهام، اگر معامله دوم در قرارداد اول شرط نشود، کارکرد فروش استقراضی را ندارد و اگر شرط شود، افزون بر شبهه ربا، مشکل بیع العینه ممنوع دارد؛

۴. پیشنهاد پرداخت داوطلبانه سود در اسناد خزانه اسلامی^۱ که در آن پرداخت سود و انضمام کوپن‌های سود به اسناد خزانه اسلامی به صورت یک التزام قراردادی نباشد؛ یعنی به دارندگان اسناد خزانه اسلامی، کوپن‌های سودی داده می‌شود که بتوانند در زمان دریافت این کوپن‌های سود، از دریافت مبلغ سود منتفع شود؛ اما این انضمام به صورت داوطلبانه است (مصوبات کمیته فقهی بورس، ۱۳۹۷، جلسه ۱۶۹)؛

۵. پوشش ریسک نوسانات نرخ سود با استفاده از آتی اسناد خزانه اسلامی: به این صورت که به جهت اینکه سرمایه‌گذاران و فعالان بازار از نوسانات نرخ سود اطمینان داشته باشند از آتی اسناد خزانه اسلامی استفاده شود (مصوبات کمیته فقهی بورس، ۱۳۹۸، جلسه ۱۹۴) که حقیقت این قضیه پوششی برای مشروعیت بخشی به سود ثابت این قراردادهاست.

۴-۶. پیچیده‌سازی

دیدگاه انفعالی به ایجاد مشکل دیگر در مالی اسلامی می‌شود که آن «پیچیده‌سازی» است. ترکیب قراردادها با یکدیگر به همراه شروط متعدد، باعث ایجاد الگوهای پیچیده از قراردادهای ترکیبی

۱. اسناد خزانه اسلامی، کوپن سود ندارند و در زمان فروش، به مبلغی کمتر از ارزش اسمی توسط سرمایه‌گذاران خریداری می‌شوند.

مالی^۱ شده است. این رویکرد نه تنها مشتریان را دچار ابهام می‌کند که حتی کارگزاران نهادهای مالی و گاه متخصصان را نیز دچار اشتباه در قصد، پیشنهاد و اجرا کرده که در عمل به عدم التزام مجریان و مشتریان به مفاد قرارداد منجر می‌شود که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. یک ابزار مرابحه بانکی، ترکیبی از قراردادهای بیع نقدی، وکالت، صلح، بیع نسبه، شرکت، رهن و ضمان می‌باشد. افزون بر آن شروط وجه التزام تأخیر تادیه دین، خسارت عدم تأدیه و اسقاط اختیارات، شروط ضمنی این قرارداد است (ر.ک: بانک مرکزی جمهوری اسلامی - دستور العمل اجرایی عقد مرابحه)؛ از این رو مشتریان بانکی معتقدند فرقی بین سود بانکی و ربا نیست (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵). صکوک مرابحه نیز وضعیتی مشابه این قرارداد دارد؛ با این تفاوت که وکالت به صندوق، ترتیبات واسطه‌ای و نظارتی، تعیین نوع سهم‌بری و مانند آن بدان اضافه می‌شود؛

۲. قرارداد جعاله بانکی ترکیبی از یک جعاله نسبه اصالتی خاص بین بانک و مشتری با یک جعاله نقد وکالتی عام بین مشتری تسهیلات به وکالت از بانک با پیمانکار به همراه شروط فراوان است. پیچیدگی آن به نحوی است که مدرسان را در تحلیل آن دچار مشکل می‌کند (ر.ک: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - قرارداد جعاله، ۱۳۹۲)؛

۳. راهکار پیشنهادی ترکیب قرارداد مشارکت و مرابحه همراه با وکالت کارگزار به جای خرید اعتباری اوراق بهادار در بازار سرمایه اسلامی (دستورالعمل خرید اعتباری اوراق بهادار، ۱۳۹۱) که در عمل به دلیل پیچیدگی موفق نبود.

گسترش مخاطرات قراردادهای ترکیبی در بازار مالی، هیئت بازرسی و بازرنگری مؤسسات مالی اسلامی^۲ را بر آن داشت در یک بیانیه، محدودیت‌هایی برای ساخت قراردادهای ترکیبی بیان نمایند:

۱. عقود ترکیبی نباید منتج به عقدی ممنوع شوند؛
۲. ترکیب قراردادها نباید به عنوان یک طرفند برای انجام ربا باشد؛
۳. قراردادهای ترکیبی نباید با هم تناقض داشته باشند (هیئت استاندارد شریعت،^۳ ۲۰۱۵، ص ۶۵۳-۶۵۴).

۵-۶. ناهمخوانی الگوسازی مالی اسلامی رایج با اهداف اقتصادی اسلام

مقصود از «ناهمخوانی»، عدم اثبات هماهنگی اجزا و اهداف نظام مالی اسلامی با خود و با دیگر اجزا نظام اجتماعی اسلام است. مشکل ناهمخوانی ارتباط کامل با مخاطرات یاد شده دارد؛ زیرا

1. Hybrid Contract

2. AAOIFI: The Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions

3. Shari'ah Standards

انفعالی بودن مهندسی مالی اسلامی و ابتدا بر حیل به اسلامی سازی منجر می‌شود. براساس این پژوهشگر بیشتر به دنبال توجیه فقهی و شرعی فرضیه ذهنی خود بدون در نظر گرفتن اهداف پیش‌گفته مالی اسلامی است.

از این رو وجود مشترکات لفظی در علوم انسانی همواره منشأ اشتباهات بزرگی می‌شود. به‌عنوان مثال، مقوله‌هایی همانند رفاه، رشد، عدالت و کارایی در عمده نظام‌های اقتصادی حتی لیبرال به‌عنوان اهداف اساسی شمرده می‌شوند. تأملی اندک بیانگر این است که تفاسیر این اهداف از منظر اسلام تفاوتی اساسی و نه صرفاً جزئی و سطحی با تلقی رایج دارد. جامعه ایدئال اسلامی جامعه‌ای مرفه است؛ اما با تفسیر خاص از رفاه که می‌توان آن را «رفاه عاقلانه» آن هم با تفسیر خاص اسلام از عقل دانست؛ اما رفاه در فرهنگ لیبرالی به معنای حاکمیت امیال است که از منظر قرآن نام آن را می‌توان «رفاه غافلانه» گذاشت (معصومی‌نیا و رشیدیان، ۱۳۹۴، ص ۵۶). این تفاوت اساسی در تفسیر دو نظام از عدالت و پیشرفت نیز آشکار است (شهید صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۱)؛ از این رو باید بین قوانین مکتبی مانند رفاه و عدالت و نتایج علمی مثل روش تأمین مالی خرد و مدیریت ریسک تفاوت قائل بود؛ زیرا یکی نظریه علمی خارجی و دیگری برآمده از ارزش‌ها و اعتقادات است (شهید صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴۸).

وجود این تفاوت‌ها بین این نظام‌ها امری است که تصور درست آن به تصدیق تعارض بین آنان می‌انجامد. هرچند تبیین کامل آن خارج از موضوع این مقاله است، اما همین مقدار توجه هم کافی است تا در روند انفعالی جاری تأمل جدی نمود و پس از آسیب‌شناسی منصفانه و دقیق، درصد طراحی نظام مالی اسلامی براساس مبانی بینشی و ارزشی و در راستای اهداف آن بود. به‌عنوان نمونه، تبدیل دارایی‌های دینی بانک‌ها به صکوک در جهت مدیریت نقدینگی بانکی که حتی در صورت مجاز بودن تنزیل دین در فقه^۱ این امر به سیل عظیمی از نقدینگی و خلق پول منجر می‌شود که نتیجه آن تورم بر عموم مردم و ضد عدالت رشد محور اسلامی است.

همچنین، برخی پژوهشگران معتقدند هرچند در ادعا ابزارهای مالی اسلامی بدون بهره می‌باشند، ولی به‌طور غیرمستقیم مبتنی بر بهره هستند؛ از این رو تا زمانی که هزینه و جوه و بازدهی سپرده‌ها از ساختار رایج نرخ بهره بانکداری مرسوم پیروی می‌کند و بانک‌های اسلامی ناخواسته از در پستی نرخ‌های بهره را وارد می‌کنند (عارف، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷) برخی بانک را زاییده ربا دانسته و تفکیک آن را از ربا محال می‌دانند (المصری، ۱۹۹۸، ص ۶۶ و توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۸۹). همچنین، بسیاری از اقتصاددانان مسلمان بورس‌بازی را به دلیل قمار بودن حرام می‌دانند

۱. فقیهانی چون امام ره تنزیل دین به غیر از مدیون را جایز نمی‌دانند.

(الساعاتی، ۲۰۰۷). این موارد در تقابل با اهداف ترسیمی در منابع اسلامی چون قوام، عدل و نفی تداول است.

۷. پیشنهادی جهت ساخت نظام مالی اسلامی

نظام‌سازی از جمله پژوهش‌های کشفی است که در جهت شناخت ساختار، ضابطه‌ها، قواعد، اهداف، روابط و اجزا نظام بر پایه مبانی و اهداف اقتصادی اسلام می‌باشد. این دسته از پژوهش‌ها رتیباً مقدم بر نهادسازی و ابزارسازی هستند و مشکل اساسی بیشتر پژوهش‌های مالی اسلامی در بی‌توجهی بدان است. بی‌توجهی به مبانی به انحراف راهبردها و بی‌توجهی به اهداف به عدم شکل‌گیری و رهیافت به نظام مالی مطلوب اسلامی منجر می‌شود.

به‌دیگرسخن، با توجه به عدم وجود منطق صحیح حرکت مشخص بیشتر دستاوردهای مالی اسلامی، هرچند در برخی موارد مانند صکوک، ادعای اسلامیت می‌شود، اما به دلیل رویکرد انفعالی و شبیه‌سازی نمی‌تواند دورنمای روشنی از اقتصاد مالی اسلام ارائه دهد. توسعه این ابزارها چنان سرعتی دارد که سرمایه‌گذاران و حتی منتشرکنندگان درک درستی از ابعاد مختلف اقتصادی آن پیدا نمی‌کنند. نوآوری‌ها با خلق محصولات پیچیده و غیرشفاف اسلامی به هیچ‌عنوان به رشد عدالت محور نمی‌اندیشد؛ بلکه در بیشتر موارد به جای طراحی در جهت اولویت‌های واقعی به شبیه‌سازی و حل نیازهای مالی نوعاً مقطعی و جدا از بازار واقعی معطوف شد.

مواردی مثل حل مشکل کسری بودجه دولت با اوراق خزانه اسلامی، اوراق مشارکت وکالتی و صلح مرابحه‌ای برای تأمین مالی کوتاه‌مدت شرکت‌ها به جای اوراق قرضه، ابزارهای جایگزین فروش استقراضی و سوآپ از این دسته هستند که همگی در پی توجیه اصالت سود در بازار سرمایه و بورس‌بازی در بازار ثانوی است که روز به روز با حبابی کردن بازار سرمایه، شکاف از بازارهای واقعی را گسترش می‌دهد. بدتر از آن، به طعن مخالفان و عدم تمایز نظام مالی اسلامی از رایج منجر شده است. البته هرچند مبنای مشهور بر امضایی بودن عقدهاست، اما باید توجه کرد که اقتصاد در هنگام ظهور اسلام ساختار بسیطی داشت؛ اما امروزه دگرگونی‌های بنیادی در ساختار اقتصادی رخ داده است. همچنین، قراردادها در اصل ابزاری هستند که در نظام‌های مختلف مانند لیبرال، سوسیالیسم و اسلام از آن استفاده می‌شود؛ ازاین‌رو باید دید چه ساختاری می‌تواند اهداف اسلامی را تأمین کند. با این مقدمه، تبانی در مبانی قطعی بوده و همین تبانی موجب تفاوت اهداف و ساختار دو نظام می‌شود.

نظام مالی اسلامی، «مجموعه رفتارها و روابط مالی مبتنی بر مبانی بینشی و اصول راهبردی معین است که جهت نیل به اهداف مالی از هماهنگی کامل برخوردارند». الگوها و سیاست‌های

برآمده از آن نیز باید در راستای پاسخ به نیازهای واقعی مالی فرد و جامعه و به هدف تأمین و تخصیص بهینه سرمایه در نظام اقتصادی و به‌عنوان بخشی از نظام اقتصادی اسلام تشکیل شود؛ از این رو علم مالی در راستای اهداف نظام مالی اسلام ترسیم می‌شود. اهدافی چون توزیع عادلانه و تخصیص بهینه منابع مالی، سهم‌بری عادلانه عوامل مالی و دولت و نیازمندان، شفافیت و امنیت مالی، استقلال مالی، ممنوعیت بهره و سهم‌بری در سود سرمایه‌گذاری و کار، تقویت روحیه تعاون و دخالت مستقیم در فعالیت اقتصادی و جلوگیری از هر نوع اختلال در بازار مالی از این دسته هستند که باید برای دستیابی به نظام مالی واقعی اسلام تلاش بیشتری نمود.

در گام نخست باید جهت دستیابی به نظام مالی واقعی اسلام به روش‌شناسی نظام مالی اسلامی پرداخت. روش‌شناسی اقتصاد مالی اسلامی روش کشف و بررسی اعتبار نظریات، تحلیل، ارزیابی و مقایسه آنان با یکدیگر می‌باشد. درک صحیح و کشف نظام مالی اسلام مترتب بر دریافت ضوابط ناظر به نهادها، رفتارها، روابط و دیگر اجزا نظام مالی اسلام است. براساس اندیشه اعتدال،^۱ فقه اسلامی در حوزه مالی دستگاه عظیمی است که وظیفه بیان حکم رفتارها و روابط بین پدیده‌های مالی را دارد. این احکام ضابطه‌های حاکم و چارچوب نظام مالی اسلامی را مشخص و مسیر طراحی آن را ریل‌گذاری می‌کند.

برای دریافت این اهداف و ضابطه‌ها باید به سراغ منابع اسلامی رفت. دو منبع کشف نظام‌های رفتاری (از جمله نظام مالی) در اسلام، فقه و اخلاق است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۲۹۰). فقه و اخلاق اسلامی، در کشف نظام مالی و در شاخص‌بندی، حدود و پایش نظام مالی تأثیر بسزایی دارد؛ البته باید توجه کرد که طراحی نظام مالی اسلامی به معنای محدود شدن این نظام در دایره حکومت‌های اسلامی نیست؛ بلکه نظام مالی اسلامی عام و جهان‌شمول است. همان‌گونه که نظام مالی رایج تنها به مناطق کشف آن محدود نشده است؛ البته تشریح این امور نیاز به تحقیقات جدی و گسترده دارد.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که آیا نظام مالی نهایی‌گراها که به تدریج توسط کشورهای مسلمان در چند قرن گذشته استفاده شده است، می‌تواند در خدمت اهداف نظام اقتصادی اسلام قرار گیرد؟ پاسخ به این پرسش که از سنخ آسیب‌شناسی است آشکار می‌کند که آیا می‌توان با مهندسی معکوس مالی و شبیه‌سازی به راهبردها و الگوهای سازگار با اهداف نظام اسلامی دست یافت؟

۱. رویکرد اعتدال در مقابل رویکرد انزال و ابهام فقه قرار دارد. اندیشه انزال همان بی‌طرفی دین در شئون دنیایی است. در اندیشه ابهام نیز تنها اصول کلان به وسیله شارع بیان شده است (ر.ک: علیدوست، ۱۳۹۵، ص ۶۴-۶۵).

در مالی اسلامی رویکردهای خالص فقهی، شبیه‌سازی، انتقادی صرف و نظام‌ساز وجود دارد. رویه غالب در مالی اسلامی رویکرد شبیه‌سازی است و بیشتر پژوهش‌ها در زمینه بازار مالی اسلامی، معطوف به بانک و در درجه بعد بررسی فقهی و یا طراحی ابزارها و نهادها مشابه در ساختار مالی متعارف است.

بیشتر پژوهش‌های مهندسی مالی اسلامی به دنبال انطباق سیستم مالی متداول با فقه است. در این بخش با به خدمت گرفتن دستگاه فقه به صورت نیم‌بند و با محوریت حیل، چالش‌های زیادی هم در مرحله ابزارسازی و نهادسازی و هم اجرا تأمین مالی از جمله ناهمخوانی، پیچیدگی و ناهماهنگی وجود دارد که موجب بی‌خاصیت‌نمایی ضوابط شرعی قراردادها و تحقق فلسفه ربا در آن می‌شود؛ از این رو شناخت نظام مالی اسلامی براساس مبانی و اهداف با وجود اهمیت اقبال کمتری دارد و روش غالب در مهندسی مالی اسلامی تأکید بر بازسازی دستاوردهای نهایی‌گراها در اقتصاد مالی است. پژوهش‌ها در این سطح فاقد روش‌شناسی خاص در راستای اهداف است.

هرچند در پژوهش‌ها از نظریه، فرضیه، مدل و آزمون سخن گفته می‌شود، اما در اصل چیزی جز تصحیح و بازسازی، بدون در نظر گرفتن حداقل عواقب اقتصادی آنها نیست. همت عمده مالی اسلامی صرف حل مشکلات شرکت‌کنندگان در ساختار بازار سرمایه‌داری است که به صورت قهری سبب غفلت از مشکلات اقتصاد و توده مردم و در نتیجه عدم تأمین اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. بدتر از آن اینکه مهر شریعت بر این ابزارها به طعن مخالفان و دغدغه کمتر سیاست‌گذاران بر نظارت بر این ابزارهای کاغذی منجر شده است.

پیشنهاد می‌شود براساس اندیشه اعتدال فقه در گام نخست به روش‌شناسی اقتصاد مالی اسلامی جهت دستیابی اهداف مالی اسلامی پرداخت؛ اهدافی چون تأمین نیازهای مالی بخش واقعی، التزام به اصول و ضوابط اسلامی در کنار حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی، توزیع عادلانه امکانات مالی و زمینه‌سازی پیشرفت ضعیف‌تر جامعه، رعایت مصالح فرد و جامعه اسلامی با حفظ ثبات، استقلال مالی و عزت اسلامی و حفظ حقوق مالکیت آحاد جامعه از این نوع هستند؛ البته مقدمه و رهیافت به نظام مالی اسلام درک صحیح اهداف و دریافت ضابطه‌های ناظر به نهادها، رفتارها، روابط و دیگر اجزا نظام مالی اسلام است که تحقیقات جدی را می‌طلبد.

منابع

۱. ابوزهرة، محمد (۲۰۰۸)، بحوث في الربا، بيروت: دارالفكر العربي.
۲. امام خمینی رحمته الله علیه، سیدروح الله الموسوی (۱۳۷۹)، کتاب البیع، ج ۲، قم: مؤسسه نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳. بیات، میثم؛ محمد طالبی و حمید قدوسی (۱۳۹۷)، «بررسی علل عدم پذیرش و نشر نوآوری در ابزارهای مالی اسلامی در بازار سرمایه ایران»، تحقیقات مالی اسلامی، ش ۲، ص ۲۷۷-۳۰۸.
۴. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، تهران: انتشارات توانگران.
۵. الجرحی، معبدعلی و محمدانس زرقا (۱۳۹۰)، پیشرفت‌های اقتصادی و مالی اسلامی؛ در مورد اقتصاد و مالی اسلامی: جایگاه آنها کجاست؟، مترجم: حامد تاجمیر و حمزه مظفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق رحمته الله علیه.
۶. چودهوری، مسعود العالم (۱۳۹۰)، پیشرفت‌های اقتصادی و مالی اسلامی؛ در مورد اقتصاد و مالی اسلامی: جایگاه آنها کجاست؟، مترجم: حامد تاجمیر و حمزه مظفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق رحمته الله علیه.
۷. دبیرخانه کمیته فقهی بورس (۱۳۹۳)، مصوبات کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، ج ۱، تهران: انتشارات بورس.
۸. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۲)، «شریعت و مصلحت»، فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی، ش ۸۵، ص ۷-۴۰.
۹. رشید رضا، سیدمحمد (۱۴۰۶)، الربا و المعاملات فی الاسلام، بیروت-لبنان: دار ابن‌زیدون.
۱۰. ساعتی، عبدالرحیم (۲۰۰۶)، «النظام النقدي و الإدارة النقدية في اقتصاد اسلامی»، المجله العلمیه، ص ۱-۳۰.

۱۱. سلمان، سیدعلی؛ منور اقبال و دادنگ مولجوان (۱۳۹۰)، پیشرفت‌های اقتصادی و مالی اسلامی، ترجمه حامد تاجمیریاحی، حمزه مظفری، مریم گرایبان، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۲. شورای پول و اعتبار (۱۳۹۸)، «دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۹۸/۵/۱۵»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۳. صانعی، یوسف (۱۳۸۳)، فقه و زندگی ۱، قم: انتشارت میثم.
۱۴. شعبانی، احمد و عبدالحمید کجوری نژاد (۱۳۹۰)، «تبیین ساختار و مبانی مهندسی مالی اسلامی»، تحقیقات مالی-اسلامی، ش ۱، ص ۵-۲۳.
۱۵. شهید صدر، محمدباقر (۱۴۱۷)، اقتصادنا، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، ایران.
۱۶. شهنازی، روح‌اله و مجتبی پناهی (۱۳۹۵)، «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۷۵-۲۰۲.
۱۷. صمصامی، حسین و همکاران (۱۳۹۷)، مأخذشناسی اقتصاد اسلامی، ج ۳، تهران: انتشارات نور علم.
۱۸. عارف، محمد (۱۳۹۰)، پیشرفت‌های اقتصادی و مالی اسلامی؛ توضیحات (۲) در مورد اقتصاد و مالی اسلامی: جایگاه آنها کجاست؟، ترجمه حامد تاجمیر و حمزه مظفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۹. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، «ظرفیت‌های فقه در رویارویی با مسائل دنیای معاصر»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۶۲، ص ۶۱-۷۸.
۲۰. غنی نژاد، موسی (۱۳۷۵)، «تفاوت ربا و بهره بانکی»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۲۱. القری، محمدعلی (۱۹۹۸)، «البنک الاسلامی أتا جر هو أم وسطی المالی؟»، مجله الاقتصاد الاسلامی، عربستان سعودی: دانشگاه ملک عبدالعزیز.
۲۲. کاشانی، سید محمود (۱۳۷۶)، «بررسی حقوقی چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا»، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
۲۳. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹)، «مبانی حرام بودن ربا و مسئله بانک»، مجله فقه، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۳۱-۴۹.

۲۴. معصومی‌نیا، غلامعلی و سمیه رشیدیان (۱۳۹۴)، «نگرش اسلام به رفاه اقتصادی»، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۳، ص ۵۵-۷۶.
۲۵. المصری، رفیق یونس (۱۹۹۸)، «ماهیت المصرف الاسلامی»، مجله الاقتصاد الاسلامی، جده، عربستان سعودی: دانشگاه ملک عبدالعزیز، ش ۱۰، ص ۶۱-۶۷.
۲۶. مصوبات کمیته فقهی بورس (۱۳۹۷)، کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، ج ۱، تهران: انتشارات بورس.
۲۷. مصوبات کمیته فقهی بورس (۱۳۹۸)، کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، ج ۱، تهران: انتشارات بورس.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸)، حیل‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۹. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی (۱۳۹۴)، بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۳۰. موسویان، سیدعباس و حامد تاجمیر ریاحی (۱۳۹۷)، «روش تحقیق جامع طراحی ابزارهای مالی اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۶۹، ص ۱۷-۵۱.
۳۱. _____ (۱۳۹۱)، بازار سرمایه اسلامی (۱)، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۲. واعظ برزانی، محمد؛ رحیم دلالی اصفهانی و مسلم آل‌بوسلیم (۱۳۸۸)، «مهندسی نظام تأمین مالی اسلامی»، دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، تهران: مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
۳۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۳، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۳۴. _____ (۱۴۲۳)، قراءات فقهیه معاصر، ج ۲، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۳۵. نجفی، محمدحسن بن باقر بن عبدالرحیم (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۴، چاپ هشتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. نظری، حسن آقا (۱۳۹۰)، نظریه‌پردازی علمی اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

-
38. Iqbal, Zamir (1999), *Financial engineering in Islamic finance*, THUNDERBIRD INTERNATIONAL BUSINESS REVIEW, A Wiley Company, pp 541-559
 39. IIFM Sukuk Database (2018).
 40. IIFM Sukuk Database (2017).
 41. ECB (2013).
 42. IFSB Secretariat Workings (2017).
 43. <https://www.cbi.ir/category> (بانک مرکزی جمهوری اسلامی، بخش بازار سرمایه)